

نگاهی به سیر زندگی پرویز ثابتی، مدیر اداره سوم ساواک که این روزها در رسانه‌های ضدانقلاب زیاد دیده می‌شود

سلاخی کسب و کار من است



پیشینه خانوادگی یک بهایی

پرویز ثابتی، مشهورترین مدیر اداره کل سوم ساواک (امنیت داخلی) فرزند حسین در سال ۱۳۱۵ و در خانواده‌ای بهایی در بخش سنگسر از توابع شهرستان سمنان متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دیستان‌های حسینیّه و شاه‌پسند سنگسر گذراند و دوران متوسطه را در مدرسه فیروز بهرام تهران طی کرد.

سال ۱۳۳۷ از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در رشته قضایی مدرک کارشناسی گرفت. در همین سال به استخدام ساواک درآمد و در سال ۱۳۴۵ به ریاست اداره یکم اداره کل سوم ساواک منصوب شد. در سال ۱۳۴۹ معاون دوم اداره کل سوم ساواک شد. ثابتی در اوج سرکوب‌های ساواک در سال ۱۳۵۲، جایگزین ناصر مقدم در اداره کل سوم ساواک شد و این سمت را تا واپسین ماه‌های عمر رژیم پهلوی عهده‌دار بود.

ثابتی در بدو استخدام در ساواک که در بهمن ۱۳۳۷ توسط مدیرکل وقت اداره کل ششم ساواک (ضرابی) معرفی شده بود، درباره پیشینه خانوادگی و تحصیلی خود چنین نوشته است: «از بدو تولد تا مهر ۱۳۲۸ در سنگسر از بخش‌های سمنان در محله‌ای به نام تپه‌سر سکونت داشتم و از مهر ۱۳۲۸ برای گذراندن تحصیلات متوسطه به تهران آمدم و مدت سه سال در منزل شوهر خواهرم، آقای محمدحسین رحمانیان سکونت داشتم و از مهر ۱۳۳۱ خانواده‌ام نیز به تهران آمدند و در همان منزل آقای رحمانیان سکونت گزیدند تا اسفند ۱۳۳۴ و از اوایل سال ۱۳۳۵ پدرم بعد از تهیه منزل، ما نیز به آنجا عزیمت کردیم.

از سال ۱۳۳۴ در مدرسه صابر در آسیاب دولاب تهران به شغل آموزگاری مشغول شدم و در ایام فراغت و دوران تحصیل با پدرم در امور حشم‌داری و تجارت در تهران کمک کردم. در دوران ابتدایی را در دیستان حسینیّه و شاه‌پسند سنگسر از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۸ و دوران دبیرستان در فیروز شهرام و تهران از ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۴ و در دانشکده حقوق دانشگاه تهران از ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۷ مشغول به تحصیل بوده‌ام و در خردادماه ۱۳۳۷ ناآل به اخذ لیسانس در رشته قضایی از دانشگاه حقوق شده‌ام و به زبان انگلیسی تسلط دارم و در امور قضایی،



کفش فروشی در تهران توسط محافظ همسر ثابتی بود که با وجود فضای رعب‌انگیز موجود در بین مردم انعکاس یافت و تنفر از ساواک و ثابتی را مضاعف کرد. از دیگر اقدامات ساواک با هدایت پرویز ثابتی، قتل گروه جزئی در تپه‌های مشرف به زندان اوین در سال ۱۳۴۴ بود. شکنجه‌های مرگبار متهمان و مخالفان حکومت پهلوی با شدت هر چه تمام‌تر بی‌گرفته شد و کمیته مشترک ضدخرابکاری که از شعب تحت مدیریت و هدایت اداره کل سوم ساواک بود، همراه با زندان اوین و سایر شکنجه‌گاه‌ها و خانه‌های امن ساواک در طول دوران مدیریت پرویز ثابتی، بی‌رحمی، قساوت و وحشیگری بسیاری نشان داد.

سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سلطنت طلبان وقتی دیدند که نمی‌توانند در عرصه مقابله با جمهوری اسلامی به پیروزی ناکام مانده‌اند روی به جنگ رسانه‌ای آوردند. شکل‌گیری رسانه‌های تصویری متعدد و در همین سال‌های اخیر فعالیت روزافزون در فضای مجازی و ایجاد شبه در همه زمینه‌ها از جمله این امور است. خاطره‌سازی و تغییر جای جلا و شهید از همان زمان کلید خورد. چاپ کتاب‌های متعدد و هم‌اکنون هم شبکه خودفروخته و ورشکسته من و تو مامور این مساله شده است. این گزارش با رویکرد بررسی نقش شاه مهره ساواک که جزو قاتلان مردم در دهه ۵۰ محسوب می‌شود، خواهد بود.

شکل‌گیری سازمان مخوف

سال ۱۳۳۵ درست سه سال از کودتای انگلیسی- آمریکایی ۲۸ مرداد می‌گذشت. با بازگشت محمدرضا پهلوی به قدرت به کمک دولت‌های خارجی، او روز به روز به تحکیم پایه‌های قدرت خود پرداخت. به همین دلیل با مشورت آمریکایی‌ها، لایحه تشکیل ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) پس از تشکیل هیأت دولت به‌وسیله حسین علا به مجلس فرستاده شد. این لایحه در تاریخ دهم بهمن ۱۳۳۵ به تصویب مجلس سنا رسید. لایحه مزبور با وجود مخالفت‌هایی که با آن شد، چون وجود آن برای استقرار رژیم ضروری بود، به تصویب رسید و این سازمان فعالیت خود را به ریاست تیمور بختیار- فرمانده نظامی تهران- رسماً آغاز کرد. سازمانی که در دوره ۲۲ ساله حیات خود، سیاست سرکوبگری، خشونت‌ورزی، رعب‌افکنی را در چارچوب سیاست‌های حاکمیت استبدادگری پهلوی دنبال کرد.

روسای ساواک

ایجاد ساواک آغاز تغییر بزرگی در ساختار اطلاعاتی کشور محسوب می‌شد. نطفه مرکزی ساواک زیرنظر مستشاران آمریکایی، در ابتدا محدود بود و باعث رعب و وحشت مردم شد. این امر تا حد زیادی به‌خاطر ترس ناشی از سال‌های حکومت نظامی تهران بود که حکومت به ایجاد یک جو خفقان‌آمیز و سرکوب مخالفان ناآل شده بود، گرچه با ایجاد ساواک حکومت نظامی پایان یافت. در دوره ریاست سپهبد تیمور بختیار بر ساواک (۱۳۳۹-۱۳۳۵) سرکوب، خشونت‌ورزی، برخورد شدید و قهرآمیز با مخالفان و منتقدان سیاسی رژیم پهلوی در میان احزاب، شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی مختلف، بدون کمترین اغماض ادامه پیدا کرد.

در دوره ریاست سرلشکر حسن پاکروان بر ساواک (۱۳۴۳-۱۳۴۰) که همزمان با ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی سال‌های نخست دهه ۱۳۴۰ بود، ساواک باز هم در سرکوب و برخورد خشن و قهرآمیز با مخالفان سیاسی حکومت تعللی از خود نشان نداد و با تاتم قوا به میدان آمد.

در طول دوره ریاست ارتشبد نعمت‌ا... نصیری بر ساواک (۱۳۴۴- ۱۵ خرداد ۱۳۵۷)، شاهد اوچ‌گیری بی‌سابقه سرکوبگری، خشونت‌ورزی و بلکه کشتار مخالفان سیاسی حکومت از اقشار و گروه‌های مختلف توسط ساواک هستیم. نصیری در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، علاوه بر ریاست شهربانی کل کشور، فرماندار نظامی تهران و حومه شد تا در سرکوب مخالفت‌ها، امکانات بیشتری داشته باشد. نصیری در عین حال با ساواک و ژاندارمری نیز رقابت داشت و شاه از عملکرد او راضی بود، بر همین اساس نیز پس از ترور «حسنعلی منصور» شاه، سرلشکر حسن پاکروان را از ریاست ساواک برکنار و نعمت‌ا... نصیری را به‌عنوان معاون نخست‌وزیر و رئیس ساواک معرفی کرد. ساواک بخش زیادی از مشهور بودنش به جنایتکاری را مرهون دوران طولانی ریاست نصیری بر این سازمان است. تشکیل کمیته مشترک ضدخرابکاری در ابتدای دهه ۵۰، ایجاد رعب و وحشت در میان مخالفان حکومت پهلوی به‌وسیله شکنجه‌های به‌روز شده توسط کارمندان ساواک که از طریق سازمان‌های امنیتی مانند سیا و موساد آموزش دیده بودند، قتل بختیار نخستین رئیس ساواک در عراق و... در دوران ریاست نصیری

شکل گرفت و ساواک در دوره ریاست نصیری منفورتر شد. در همین دوره بود که «پرویز ثابتی» مدیرکل اداره کل سوم ساواک که مانند نصیری از اهالی سنگسر سمنان و بهایی بود، جایگزین ناصر مقدم شد.

چهارمین و آخرین رئیس ساواک (خرداد ۵۷- بهمن ۵۷) سپهبد ناصر مقدم به ریاست ساواک منصوب شد که در موج انقلابی مردم ایران قرار گرفت و سال ۵۸ به دار مجازات آویخته شد.

چهره واقعی یک شکنجه‌گر

دکتر مففر شاهی‌دی، نویسنده کتاب «ساواک: سازمان اطلاعات و امنیت کشور ۱۳۳۵- ۱۳۵۷» در مورد نقش پرویز ثابتی که از اوایل دهه ۱۳۵۰ تا ماه‌های پایانی رژیم پهلوی بر اداره کل سوم ساواک (امنیت داخلی) مدیریت می‌کرد به ایرنا

گفت: در زمان مدیریت وی سرکوب و برخورد به‌مراتب خشن‌تر، غیرانسانی‌تر و وحشیانه‌تر ساواک با مخالفان سیاسی رژیم پهلوی بسیار برجسته و قابل توجه بود. در دوره مدیریت ثابتی بر اداره کل سوم، علاوه بر تأسیس کمیته مشترک ضدخرابکاری ساواک و شهربانی، شکنجه‌گاه‌های ساواک محدود به آن مکان نشد و در بیشتر مواقع به همه زندان‌های کوچک و بزرگ حکومت در سراسر کشور که عموماً ساواک نقش درجه‌اولی در هدایت آنها اعمال می‌کرد، کشیده شد. بیشتر کسانی که در مقاطع مختلف و به‌دلیل و اتهام‌های گوناگون دستگیر و روانه بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها می‌شدند، شکنجه‌های مرگبار و غیرانسانی جسمی و روحی شدیدی را متحمل می‌شدند. اعتراض‌گیری‌ها و پرونده‌سازی‌های ساواک برای کسانی که به‌دلیل و اتهام‌های سیاسی و به اصطلاح امنیتی دستگیر می‌شدند، با اعمال شکنجه‌های مرگبار جسمی و روحی همراه بود.

ارتشبد حسین فردوست (رئیس دفتر ویژه اطلاعات حکومت پهلوی)، ثابتی را فردی جاه‌طلب و متظاهر می‌داند که ساواک در دوران مدیریتش بر اداره کل سوم به نهایت بدنامی رسید. ثابتی در دهه ۱۳۵۰ به‌عنوان مقام امنیتی که هرازگاهی در برنامه‌هایی تلویزیونی از موفقیت‌های ساواک در برخورد با مخالفان سیاسی و چریکی حکومت سخن به میان می‌آورد، به فردی شناخته شده و در عین حال رعب‌انگیز تبدیل شده بود.

ثابتی با فردوست و امیرعباس هویدا روابط نزدیکی داشت و اخبار و گزارش‌های منظمی از عملکرد و فعالیت‌های اداره کل سوم ساواک در اختیار این دو قرار می‌داد. پس از آغاز حرکت‌های مردمی دوران انقلاب، ثابتی طرفدار سیاست سرکوب مخالفان بود و به شاه پیشنهاد کرد اجازه دهد

ساواک ۱۵۰۰ نفر از مخالفان شاخص سیاسی را دستگیر کرده و به‌طور همزمان مخالفان را با شدت هرچه تمام‌تر سرکوب کند.

او وعده داده بود با اجرای این سیاست به‌زودی ناآرامی‌ها فروکش خواهد کرد. ازجمله حوادثی که در سال‌های اقتدار پرویز ثابتی رخ داد، قتل جوان بی‌گانه‌ی در مغازه

دلیل رونمایی از چهره مخوف ساواک چیست؟

و بررسی کتاب به یکی از مراکز پژوهشی دعوت شدم تا با حضور برخی کارشناسان و تدوینگر کتاب خاطرات ثابتی، این اثر مورد نقد قرار گیرد. من در این جلسه صحبت کردم و حتی برای نشان دادن واقعیات زندان آن زمان پایم را نشان دادم که هنوز آثار شکنجه‌روی آن باقی مانده بود. به تدوینگر کتاب گفتم که حرف‌هایی که ثابت بیان کرده درست نیست. حال ممکن است ثابتی برای شکنجه شخصاً شلاقی دستش نگرفته باشد، اما بازجویان این کار را می‌کردند. ثابتی که کارش بازجویی نبود. او یک مقام امنیتی در رژیم پهلوی بود و برای فشار به زندانیان به بازجویان دستور می‌داد. بعد از انتشار این کتاب، ثابتی برای یک دهه دیگر به محاق رفت، اما در جریان برگزاری تجمع ضدانقلابیون در آمریکا در ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ عکسی از او به همراه همسر

اما، در هشتم فروردین ۹۱ کتابی تحت عنوان در دامگه حادثه که شامل مجموعه گفت‌وگوهای او بود از سوی شرکت کتاب در آمریکا منتشر شد.

تلاش این مقام امنیتی رژیم پهلوی در خاطراتش این بود که موضوع شکنجه زندانیان از سوی ساواکی‌ها را وارونه جلوه دهد و سازمان امنیت آن زمان را تطهیر کند.

در همین زمینه عزت مطهری از مبارزان قبل از انقلاب که سال‌ها طعم شکنجه‌های وحشتناک رژیم را چشیده بود همزمان با انتشار این کتاب در مصاحبه‌ای گفته بود: ثابتی سعی کرده ساواک را درباره موضوع شکنجه تیره کند. یک بار برای نقد

اداری، اقتصادی و سیاسی نیز تحصیل نموده و مطالعه دارم و دارای چهار برادر... و یک خواهر... هستم. بنده از بدو تولد در یک خانواده بهایی می‌زیستم و پدر و مادرم بهایی بوده‌اند، لکن از زمان بلوغ و بلکه از ابتدای تحصیلات دوره متوسطه، مسلمان بوده و هستم و به علت کفیل خرج بودن از تاریخ ۲۴/۱۰/۳۷ تا ۲۴/۱۰/۳۸ از خدمت معاف شده‌ام و این برگ برای سال‌های بعد نیز تمدید خواهد شد.

رساله پایان تحصیلات دانشکده حقوق درباره کسانی که مجازات نمی‌شوند، یعنی صغار و مجانین بوده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود بنده از اهالی سنگسر هستم و سنگسر یک منطقه عشایری و دارای مردمی شاه‌دوست و وطن‌پرست است. رستاخیز اهالی سنگسر در قیام ملی ۲۸ مرداد، دلیل بر این ادعاست. به طریق اولویت اینجانب نیز فردی شاهدوست و وطن‌پرست می‌باشم.»

سال ۱۳۳۷ در رشته حقوق از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و پس از مدت کوتاهی معلمی، با نام مستعار پرویز غفاریور به استخدام ساواک درآمد. دو نفر معرفیش، یکی ضرابی مدیرکل اداره ششم (اداری مالی) ساواک و دیگری سیفا... شهاب از مدیران اداره کل سوم بودند.

او در اداره یکم اداره کل امنیت داخلی، پس از یک سال ریاست «بخش کمونیستی» را بر عهده می‌گیرد و تا سوم مرداد ۱۳۴۵ در همین مسئولیت باقی است. پس از این تا پایان سال ۱۳۴۸ ریاست اداره یکم امنیت داخلی را بر عهده می‌گیرد که مسئولیتش کشف، مراقبت و تعقیب فعالیت‌های براندازی است. مهم‌ترین پخش‌های زیرمجموعه او، احزاب و گروه‌های کمونیست (۳۱۱) و احزاب و گروه‌های افراطی سیاسی (۳۱۲) در کنار اعراب و بلوچ‌ها (۳۱۳) و اکراد (۳۱۴) است. دو بخش ابتدایی، عملاً جدی‌ترین منتقدان و مخالفان حکومت، یعنی چریک‌های فدایی خلق و روحانیون مذهبی را شامل می‌شود. او در این سال‌ها برای مأموریت و شرکت در دوره‌های آموزشی مختلف، به کشورهایی مثل ترکیه، آمریکا و انگلستان نیز سفر می‌کند.

ثابتی از واپسین روزهای ۱۳۴۸ تا ۲۳ فروردین ۱۳۵۲ یکی از معاون اداره کل سوم (امنیت داخلی) است. مهم‌ترین مسئولیت او که باعث شهرتش می‌شود، مدیرکل امنیت داخلی ساواک در بازه سال‌های ۱۳۵۲ تا هفتم آبان ۱۳۵۷ است. در تمام این سال‌ها امضای ثابتی، پای پرونده اغلب منتقدان، مخالفان و مبارزان رژیم شاه بود. از چریک‌های فدایی خلق و توده‌ای‌ها گرفته که او در خاطراتش آن را «کمونیسم-تروریسم» می‌نامد تا مجاهدین خلق و روحانیان مبارز سراسر کشور و مردم عادی و حتی ضربه زدن به تیمور بختیار، اولین رئیس ساواک که در عراق مستقر و ضد رژیم شاه فعال بود. ثابتی در این سال‌ها بخشی از رأس ماشین سرکوب رژیم شاه بود. او از آبان ۱۳۵۵ اجازه حمل سلاح برای حفاظت از خود و اسفند ۵۶ با توجه به جایگاه شغلی‌اش ۴۰ درصد بیش از حقوق عادی‌اش به عنوان «فوق‌العاده خطرات شغلی» دریافت می‌کند.

شهرپور ۵۱ جشن عروسی‌اش با نسرين غفاریور که (هم‌نام اسم مستعارش بود) در هتل آریا شراپتون تهران برگزار شد. مراسمی که ۱۲ نیروی ساواک تهران حفاظت از آن را بر عهده داشتند. حاصل این ازدواج دو دختر به نام‌های پریسا و پردیس است. در سال‌های پس از انقلاب همیشه درباره اعتقادات دینی ثابتی و بهایی بودن یا نبودن حرف‌هایی زده می‌شد. او در پرسشنامه استخداش در ساواک نوشته « از بدو تولد در خانواده بهایی می‌زیستم و پدر و مادرم بهایی بوده‌اند.» هرچند او در همین پرسشنامه مدعی است از دوران دبیرستان مسلمان بوده، ولی در اسناد بهائیت نام او با شماره تسبیح ۶۶۲۸۳ وجود دارد. همچنین علاوه بر خانواده خودش، پدر و عموهای همسرش که ارتشی بودند نیز به بهایی بودن مشهور بوده‌اند.

آبان ۵۷ وقتی ثابتی احساس می‌کند رژیم شاه دیگر ماندنی نیست، تقاضای بازنستگی می‌کند و به فاصله دو سه روز پس از انتصاب به‌عنوان مشاور ساواک در دهم آبان با حقوق بالایی بازنشسته شده و از کشور خارج می‌شود. مقصد کجا بود؟ حسین فردوست که سال‌ها قائم مقام ساواک و مسئول دفتر اطلاعات دربار بود، بعدها در خاطراتش می‌گوید: «ثابتی برای خودحفاظتی به دیدنم آمد و گفت که می‌خواهد به آمریکا برود و همتای آمریکاییی او در سفارت برایش مسجل کرده که در «سیا» شغلی به او واگذار خواهد شد.»



تصریح کرد: این‌که او ملی دوسال گذشته چهره خود را آفتابی کرده به‌نظم به‌واسطه تحلیل اشتباهی است که از شرایط موجود دارد. در طول ۴۰ سال بعد از انقلاب کم نبودند کسانی که دچار توهم فروپاشی نظام شدند و این گمان را بردند که دیدگاه مردم نسبت به نظام تغییر کرده است. از این روماطی این چهارده‌هه افراد مختلفی را دیدیم که با همین خیالبافی‌ها مدتی صحنه‌گردانی کردند و شعار دادند و رجز خواندند و براساس همان توهمات خود وعده سرنگونی نظام را دادند و البته از سوی قدرت‌های استکباری مورد حمایت‌های سیاسی و مالی قرار گرفتند، اما همه این مانورهای سیاسی به یک سرنوشت مشترک منتهی شد که آن حاصلی جز شکست و سرخوردگی برای این افراد نداشت و آیند ثابت خواهد کرد که ثابتی سرنوشت بهتری از مسعود رجوی، ابوالحسن بنی‌صدر، پالیزبان و شاپور بختیار پیدا نخواهد کرد.

و دخترش منتشر شد که جنجال‌های زیادی را به همراه داشت و حاکی از آن بود که این چهره امنیتی بعد از سال‌ها زندگی مخفی در بی‌آن است که در عرصه‌های اجتماعی حضور بیشتری داشته باشد.

مسعود رضایی، پژوهشگر تاریخ معاصر درباره این رونمایی‌های نمایشی به جام جم آنلاین گفت: پرویز ثابتی از یک موقعیت برجسته‌ای در حاکمیت پهلوی و دستگاه‌های امنیتی ساواک برخوردار بود و در دوران مسئولیت خود پرونده‌سایهی از سرکوبگری به‌جای گذاشت. وی درباره انزو اطمینی ثابتی طی سه دهه بعد از انقلاب می‌گوید: این چهره مخوف امنیتی به خوبی می‌دانست که تا چه حد منفور است و طبیعی بود که همواره این بیم و هراس را داشت که به جنگ ملت ایران بيفتد و مردم خواستار او مجازات او باشند. رضایی درباره دلایل تصمیم ثابتی برای اعلام حضور در عرصه‌های اجتماعی